

تنبلی آزاد می کند!

عادل ایرانخواه

www.ketab.ir



کتابستان
برخط

سرشناسه: ایرانخواه، عادل، ۱۳۶۶ -

عنوان و نام پدیدآور: تنبلی آزاد می‌کند! / عادل ایرانخواه؛ ویراستار احسان عزیزی

مشخصات نشر: تهران: کتابستان برخط، ۱۴۰۱.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۴۷۸۳-۳-۲

وضعیت فهرست‌نویسی: قیفا

موضوع: کار و کارگری: Labor

رده‌بندی کنگره: HDE۹۰۱

رده‌بندی دیویی: ۳۳۱

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۹۰۴۳۳۷۹

• تمامی حقوق چاپ و نشر این اثر محفوظ است.

• تکثیر، انتشار، بازنویسی و ترجمه‌ی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه، بدون دریافت مجوز

قبلی و کتبی از ناشر ممنوع است.

• این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» قرار دارد.



کتابستان
برخط

خواندنی‌هاکم نیست، با برخط بخوانید...

تنبلی آزاد می‌کند!

عادل ایرانخواه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۴۷۸۳-۳-۲

قیمت: ۱۲۵,۰۰۰ تومان

ویراستار: احسان عزیزی

طرح جلد: محسن زینالی با الهام از اثرینکسی انتشارات کتابستان برخط

barkhatbook.com

مدیر هنری: اونیش امین الهی

دفتر نشر: ۰۲۱۸۸۵۵۱۳۰۵

چاپ گلیا

چاپ دوم: ۱۴۰۲، ۲۵۰ نسخه

تهران، خیابان مطهری، میرزای شیرازی، کوچه‌ی عرفان، پ ۹، واحد ۶

کد تخفیف خرید کتاب از «برخط بوک» با بیش از ۱۵۰ هزار عنوان کتاب: barkhatmembers



برخط
بوک

BARKHATBOOK.COM



@Barkhatbook

فهرست

پیش‌گفتار؛ جایزه‌ای به تنبل‌ها! / ۵

مقدمه / ۲۱

آبلوموف، موفقیت و جامعه‌ی ایران / ۲۸

همه‌ی ما یهودی‌ها؛ سرمایه‌داری به مثابه‌ی یک دین / ۳۱

از تقبیح کار تا تقدیس آن / ۳۷

کار و بیکاری / ۴۳

کار، بیکاری، مسخ و مرگ / ۵۱

«و شاید که پیشرفت پلی باشد به سوی توحش» / ۶۴

جنگ و صلح / ۶۶

مصرف افراطی؛ کار مشدد / ۷۱

کار، مصرف و محیط زیست / ۷۷

زنان و کودکان / ۸۲

کار و فراغت / ۸۸

... و تنبلی / ۹۳

منابع / ۱۲۱

به نام خدایی که با معدوم ساختنِ عدم، جهان را آفرید.

پیش‌گفتار: جایزه‌ای به تنبل‌ها!

سال‌ها پیش، یکی از دوستانم تعریف می‌کرد که دورانِ ابتدایی، با خواهرِ دوقلویش، در مدرسه‌ی آبادی‌شان، هم‌کلاسی بوده است. ظاهراً برعکسِ او که زرنگ و درس‌خوان بوده، خواهرش رغبتی به درس و مدرسه نداشته و تنبل به حساب می‌آمده. در جریانِ یکی از تشویق‌شدن‌ها و جایزه‌گرفتن‌های دوستانم، هنگامی که به خانه برمی‌گردند، خواهرش با حسرتی معصومانه به جایزه‌ها نگاه می‌کند و می‌گوید: کاش یک‌بار هم به تنبل‌ها جایزه می‌دادند! اکنون این کتاب جایزه‌ایست برای تنبل‌ها! برای آنانی که مقاومت می‌کنند و به اجبارهای بیرونی تن نمی‌دهند، برای کسانی است که بیش‌فعالیِ دورانِ ما را پس می‌زنند و از زندگی، چیزی بیشتر از کرد و کارِ ملال‌آور و یک‌نواخت را طلب می‌کنند. در دورانی که تهییج به کار، فعالیت و موفقیت گوش همگان را کر کرده، تنبل‌ها با سکوت و سکون‌شان علیه این شتاب و همه‌همه‌ایستادگی می‌کنند، تا شاید از خلالِ این فاصله‌گذاری به کنشی حقیقی‌تر و درون‌زاتر دست یازند. در

ماجرایی که نقل شد، دو قلوبودنِ زرنگی و تنبلی وجهی استعاری می‌یابد؛ نه تنها از این منظر که کارِ مشددِ اکثریت، فراغتِ مداومِ اقلیتی را حاصل می‌کند، بلکه از این جهت که بدونِ تنبلی، بدونِ آن لحظاتِ آساییدن و مکث و تأمل، کار و کرداری حقیقی میسر نمی‌شود. برای این که بتوان کاری کرد باید هیچ‌کاری نکردن را نیز یاد گرفت! امری که چنان از یادها رفته است که احتیاج به آموزش دارد. همه از حقِ فراغت صحبت می‌کنند اما هیچ‌کس جسارتِ مطالبه‌ی تنبلی را ندارد. امری کفرآلود که از جانبِ نهادها و مراجعِ اقتداری چون خانواده، مدرسه، رسانه‌ها، دولت و کلیسا سرکوب و سانسور می‌شود.

بنابر پژوهش‌های انجام شده، مانسبت به پنجاه سال پیش دوساعت کمتر می‌خوابیم، تندتر راه می‌رویم، نوشیدنی‌های انرژی‌زا و کافئین دار ده‌ها برابر بیشتر مصرف می‌شوند تا بیشتر کار کنیم و بیشتر مصرف کنیم. شرکت کولگیت^۱ خمیردندان‌هایی پخته حاوی کافئین و ارتش آمریکا با انجام آزمایش‌هایی عصب‌شناختی و بهره‌گیری از قرص‌هایی چون مودافینیل^۲ سعی دارد سربازان را بی‌خواب، متمرکز و سرحال کند. در چین و ژاپن «بر اثر شدت کار مردن»، چنان شیوع دارد که برای آن واژه ابداع شده است: «کاروشی»^۳. بسیاری از مردم برای این که مشقات کارشان را تحمل کنند و یا بیشتر کار کنند، به مصرفِ موادِ مخدر روی می‌آورند. وضعیتی که جوامع بشری را موحش‌تراز حیات وحش کرده، اگر جان نکنی تا زنده بمانی، خواهی مرد! به تعبیر فیلیپ گدار^۴ دست‌کم در

۱. Colgate: شرکت لوازم آرایشی آمریکایی که در سال ۱۸۷۳ تأسیس شد.

۲. Modafinil: یک داروی محرک است که برای افزایش هوشیاری و کاهش خواب‌آلودگی و افزایش تمرکز استفاده می‌شود.

3. Karōshi

4. Philip goddard

جنگل‌ها پستانداری موسوم به تنبل می‌تواند زنده بماند.

«اگر کار نکنید، کشته می‌شوید!» این شعار و عمل نازی‌ها بود. آن‌ها بر سر در یکی از اردوگاه‌های کار اجباری شان، داخائو^۱، حک کرده بودند که «کار شما را آزاد خواهد کرد»^۲. کلامی که از اردوگاه کار اجباری بیرون جهیده و حکم آياتی مقدس را یافته که بر جهان فرمان می‌راند. وضعیتی استثنائی که اینک به قاعده‌ی عام زمانه‌ی ما بدل شده و بر تمامی جوامع و فرهنگ‌ها استیلا یافته است، آن‌هم در دورانی که به نظر می‌رسد از هر ده نفر فقط یکی می‌تواند شغلی را اشغال کند و زنده بماند. دست‌کم در اردوگاه‌ها لازم نبود برای یافتن کار تقلا کنیم، رزومه بسازیم و تازه مجبور باشیم لبخند بزنیم! کنون^۳، برای شرکت‌ها، دوربین‌هایی طراحی کرده، که فقط به کارمندان خندان اجازه‌ی ورود می‌دهد. امری که به تعبیر فردریک لوردون^۴، بیش از پیش کار مزدی را به روسپی‌گری شبیه می‌سازد. فردریک لوردون در کتاب *بندگان مشتاق سرمایه*، توضیح می‌دهد که چگونه از شاغلان انتظار می‌رود که نه به نتیجه‌ی کارشان و دستمزد آن، بلکه به خود کار عشق بورزند. هرچند عنصر ترس برخاسته از اخراج و تعدیل نیرو همیشه در پس زمینه وجود دارد، اما میل سرمایه، در شق جدیدش که نئولیبرالیسم^۵ نام دارد، ایجاد شاغلان خندان و مشتاق است. چیزی

۱. اردوگاه کار اجباری داخائو، به آلمانی (KZ Dachau) از بزرگترین اردوگاه‌های کار اجباری آلمان نازی بود که توسط رژیم نازی در سال ۱۹۳۳ در ۱۶ کیلومتری شمال مونیخ در نزدیکی شهر داخائو در ایالت بایرن آلمان ساخته شد. بیش از ۳۰۰۰۰ نفر از یهودیان، لهستانی‌ها، روس‌ها، و بسیاری از کشورهای دیگر در این اردوگاه به قتل رسیدند. این اردوگاه ۹۴ اردوگاه فرعی نیز داشت.

۲. به آلمانی: Arbeit macht frei (تصویر روی جلد کتاب نیز تصویری از همین اردوگاه‌های کار اجباری است. ن)

3. canon

4. Frédéric Lordon

5. Neoliberalism

شبیه به تجربه‌ی خودفروشی! در این تجربه گرچه هر دو سوی ماجرا از اجبار به وانمودسازی لذت آگاه هستند، اما این اجبار که با ترس دریافت نکردن مزد تحقق می‌یابد، کارگرا بر آن می‌دارد که با وانمودسازی لذت از رنج کار، میل کارفرما را تحقق بخشد.

شگفت و توأمان مضحک، این که قداست کار و تقبیح تنبلی که آشکارا ایدئولوژی فرادستان است و منافع آن‌ها را تأمین می‌کند چنان در باور فرودستان حک شده که به تعبیر بیونگ چول هان^۱، در درون هر کدام از ما، یک اردوگاه کار اجباری دایر است که مدام به فعالیت و تکاپو می‌دارد مان و هر مکث و درنگی دچار تشویش و هراس مان می‌کند. دگم کار و دستورالعمل موفقیت از یادها برده است که ما انسانیم و نه حیواناتی کارورز! ما مدام باید کار کنیم تا بتوانیم مصرف کنیم؛ کارورزی مشدد و مصرف‌گرایی مفرط، زندگی را به در خدمت گردش سود و سرمایه تقلیل داده است. چرخه‌ای معیوب که بسیاری از بحران‌های موجود را دامن می‌زند. در جهانی که همه چیز از شکنجه‌ی مفید بودن رنج می‌برد، تنبلی حکم کشیدن ترمز قطاری را دارد که از ریل خارج شده.

هر فعل و انفعالی که آغشته به تولید و مصرف نباشد و به گردش سود و سرمایه یاری نرساند، با اسم عام تنبلی و انگل صفتی، انگ می‌خورد تا طرد و سرکوب شود. ما مدام به صف گرفتن‌ها و اسم‌نویسی در قرعه کشی‌های خودرو و مسکن، بازار بورس، آزمون‌های استخدامی و غیره تهییج می‌شویم تا به شکلی وارونه و کاریکاتوری در لاس و گاس و قمارخانه‌ای قرار گیریم که در آن قمار نه برای بردن شرط‌های کلان، بلکه برای زنده ماندن است. بیچارگان مدام باید بر سر ادامه‌ی زندگی شان قمار کنند.

۱. Byung-Chul Han: نظریه پرداز فرهنگی آلمانی متولد کره جنوبی است.